

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از: کرادل
نویسنده: استاسا سالاکانین
برگردان: م. قربانی
۱۵ فبروری ۲۰۲۵

"توهم" عادی سازی روابط سعودی و اسرائیل



هرچند مصالحه میان عربستان و اسرائیل ممکن است رویای دیپلماتیک ترامپ باشد، واقعیت‌های ریشه‌دار منطقه‌نی، تغییر منافع در غرب آسیا و آرمان‌های ملی فلسطین، آنرا به یک سراب دست نیافتنی تبدیل می‌کند تا یک نتیجه قریب‌الوقوع.

در ۴ فبروری، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا، در پاسخ به این سؤال که آیا سعودی‌ها برای به رسمیت شناختن اسرائیل خواستار تشکیل کشور فلسطین هستند، به سرعت پاسخ داد: "نه، آنها نیستند." ترامپ، این اظهار نظر را در کنار بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در اتاق بیضی کاخ سفید به زبان آورد. وزارت امور خارجه عربستان سعودی نیز به سرعت واکنش نشان داد و اظهار داشت که موضع این کشور در مورد تشکیل کشور فلسطین "محکم و تزلزل‌ناپذیر" است و تأکید کرد که ریاض در غیر این صورت هیچ معامله‌ای با تل ابیب نخواهد داشت:

"والاحضرت (ولیعهد محمد بن سلمان) تأکید کردند که عربستان سعودی به تلاش‌های بی‌وقفه خود برای ایجاد یک کشور مستقل فلسطینی با پایتختی بیت‌المقدس شرقی ادامه خواهد داد و بدون آن روابط دیپلماتیک با اسرائیل برقرار نخواهد کرد."

در این بیانیه همچنین تأکید شده است که موضع عربستان در این مورد "تغییرناپذیر است و مشمول مصالحه نمی‌شود."

علیرغم خوش‌بینی شدید تیم سیاست خارجی تازه منصوب شده ترمپ، توافق‌نامه عادی‌سازی روابط بین عربستان و اسرائیل که درباره‌اش بسیار تبلیغ شده است، همچنان هدفی دست‌نیافتنی باقی مانده است، درست همان‌طور که در زمان سلف او، جو بایدن، بود. هر چند واشینگتن اصرار دارد و انمود کند که دستیابی به چنین توافقی به طور بالقوه نزدیک است، تحلیلی هوشیارانه‌تر حاکی از آنست که مسیر دستیابی به یک توافق همچنان مملو از موانع است.

چوب لای چرخ

پیمان ابراهیم که در دوره اول ترمپ میانجی‌گری شد، در واشینگتن به عنوان یک نقطه عطف تاریخی در دیپلماسی غرب آسیا مورد استقبال قرار گرفت و دولت اشغالگر را وارد روابط رسمی با امارات، بحرین، مراکش و سودان کرد. با این‌حال، غیبت آشکار عربستان سعودی – بانفوذترین کشور عربی – قطعاً گم‌شده‌ای بود که امریکا و اسرائیل سخت به آن نیاز داشتند.

دوران تصدی بایدن، به جای پیشبرد ابتکار عمل ترمپ، بنا بر دلایلی آنرا تضعیف کرد. حمایت قاطع دولت او از جنگ نسل‌کشی اسرائیل علیه غزه و کارزار نظامی وحشیانه آن در لبنان، بسیاری از کشورهای عربی و مسلمان را از خود دور کرد و احتمال توافقات عادی‌سازی جدید را تضعیف کرده است.

در همین‌حال، چین از اعتبار رو به زوال واشینگتن استفاده کرده و در سال ۲۰۲۳ با میانجی‌گری برای نزدیکی تاریخی بین ایران و عربستان سعودی به یک دست‌آورد دیپلماتیک بزرگ دست یافت – رابطه‌ای که با وجود موانع، پابرجا مانده است.

علیرغم تغییر واقعیت‌های میدانی، دولت امریکا همچنان معتقد است که معامله بین بزرگترین صادرکننده نفت جهان و اسرائیل همچنان بر مبنای شروط آن قابل دسترسی است. مایک والتز، مشاور امنیت ملی جدید دولت ترمپ، اعلام کرده است که دستیابی به توافق صلح بین ریاض و تل‌آبیب "اولویت بزرگ" دولت جدید است.

هشدار سعودی‌ها: توافق بر اساس شروط چه کسی؟

اگرچه سعودی‌ها موضوع عادی‌سازی با اسرائیل را به تشکیل کشور فلسطین پیوند زده اند و این موضع را برای مدتی طولانی حفظ کرده اند، نه اسرائیل و نه دولت جدید ترمپ هیچ تمایلی برای انطباق دادن مواضع خود با نیات سعودی‌ها از خود نشان نمی‌دهند.

بسیاری از حامیان ترمپ، از جمله حامیان مالی اصلی او مانند میریام ادلسون، و همچنین دولت اسرائیل، نه تنها با تشکیل هر شکلی از تشکیل کشور فلسطین مخالفند، بلکه آشکارا در مورد الحاق کل کرانه باختری اشغالی صحبت می‌کنند. لذا هنوز معلوم نیست که ترمپ چگونه می‌خواهد دو دیدگاه و انتظارات مخالف را با هم آشتی، و پیمان ابراهیم را گسترش دهد.

به گفته جیوزپه دینیس، تحلیلگر آبروتوری مدیترانه، وابسته به انستیتوی مطالعات سیاسی ایتالیا "سن پیو پنجم"، ترمپ احتمالاً از رویکرد آزموده خود – تکیه بر پیمان ابراهیم به عنوان چارچوب احیاء کننده "معامله قرن" خود، عقب‌نشینی خواهد کرد.

دینیس به کراتل توضیح می‌دهد که هدف نهایی چنین تلاش‌هایی به گوشه راندن کامل موضوع فلسطین و سوق دادن آن به حاشیه برنامه‌های منطقه‌ای و جهانی است.

علاوه بر این، بسیاری بر این باورند که دولت ترامپ یک جنگ صلیبی علیه "انتفاضه جهانی" و کسانی که جرأت انتقاد از اسرائیل یا اصرار بر تعقیب جنایات جنگی اسرائیل را دارند، به راه خواهد انداخت. دننیس معتقد است که این رویکرد اساساً یک گزینه واحد را به مذاکرات تحمیل می‌کند: "همین است که هست، نمی‌خواهید بروید."

"رویکرد تهاجمی ترامپ در قبال ریاض می‌تواند برای امریکا و منافع آن در غرب آسیا نتیجه معکوس داشته باشد، به ویژه اگر پادشاهی آل سعود به رد این شروط ادامه دهد و خطر هم‌سوئی با دیگر بازیگران بین‌المللی (مانند چین یا روسیه، اگر تنها از نظر ستراتیژیک یا ابزاری باشد) به خطر می‌افتد."

سرمایه‌گذاری‌های عربستان در امریکا: اهرم قدرت یا خرید زمان؟

برخی ناظران حدس می‌زنند که اعلام اخیر عربستان مبنی بر این‌که ریاض قصد دارد ۶۰۰ میلیارد دلار در ایالات متحده سرمایه‌گذاری کند، می‌تواند به عنوان رشوه‌ای زود هنگام به ترامپ در ازای کاهش فشار متعصبانه وی در مورد توافق عادی‌سازی عربستان و اسرائیل و سایر مسایل ژئوپلیتیکی تلقی شود.

هر چند درست است که متقاعد کردن سعودی‌ها کار دشواری است، اما به باور دننیس حتی چنین تعهد اقتصادی مهمی نمی‌تواند دولت جدید را از اهدافش منحرف یا منصرف کند.

او معتقد است که فراتر از موضوع توافق با اسرائیل، ریاض خواستار تفاهم و همکاری خود با واشینگتن به ویژه با این دولت است. با این حال، این واقعیت وجود دارد که چهره‌های کلیدی مرتبط با این دولت، مانند جرد کوشنر، داماد ترامپ، می‌توانند فرایندها و نیات عربستان را از طریق روابط تجاری خود تضعیف کنند.

از نظر دکتر پُل راجرز، استاد بازنشسته مطالعات صلح و روابط بین‌الملل در کالج برادفورد، ترامپ بسیار غیرقابل پیش‌بینی‌تر از آن است که بتوان درباره احتمال توافق با عربستان نتیجه‌گیری کرد، اما اظهارات اخیر او در مورد گزینه اخراج فلسطینی‌ها از غزه نشانه رابطه بسیار نزدیک او با جریان‌های راست افراطی اسرائیل است.

دکتر راجرز به کرادل می‌گوید که او تردید دارد که "سعودی‌ها از هر نوع توافقی، صرف‌نظر از این‌که چه پیشنهادی ارائه دهند، دوری خواهند کرد."

افکار عمومی اعراب: سد غیرقابل عبور

فراتر از محاسبات ژئوپلیتیک، احساسات عمومی در جهان همچنان یک مانع بزرگ در مقابل عادی‌سازی است. نپذیرفتن دولت فلسطین، همراه با فشار تهاجمی برای پذیرش روابط عربستان و اسرائیل، به عنوان تلاش برای محور کامل آرمان فلسطین تلقی می‌شود - طرحی که فاقد مشروعیت در میان مردم عرب و مسلمان است.

علاوه بر این، بسیاری از ناظران باور دارند که جنایات جنگی اسرائیل و نسل‌کشی در غزه، ادامه مذاکرات صلح را برای ولیعهد سعودی، محمد بن سلمان، بسیار دشوار و ناگوار کرده است.

اما، دیدگاه‌های مردم در غرب آسیا، حتی قبل از جنگ بی‌رحمانه ۱۵ ماهه، در مقابل عادی‌سازی بود. به عنوان مثال، بر اساس شاخص‌های افکار عمومی اعراب در سال ۲۰۲۲، به طور متوسط ۸۴ درصد از شهروندان در ۱۴ کشور روابط دیپلماتیک با اسرائیل را رد کردند. این ارقام نشان می‌دهد که مجریان عرب پیمان ابراهیم در نهایت نتوانستند افکار عمومی اعراب را تحت تأثیر قرار دهند.

جنگ غزه تنها دیدگاه‌های ضداسرائیلی را در عربستان سعودی تقویت کرده است و یک توافق عادی‌سازی بدون قید و شرط با اسرائیل تنها خطر بی‌ثبات کردن وجهه ولیعهد عربستان را در پادشاهی و خارج از کشور افزایش می‌دهد. این امر همچنین موجب تحقیر محمد بن سلمان می‌شود که علناً اقدامات اسرائیل در غزه را محکوم کرده و آن‌ها را به عنوان "نسل‌کشی" می‌شناسد.

سرابی در صحرا

تشکیل کشور فلسطین به هیچ‌وجه موضوع ساده‌ای نیست، حتی اگر دولتی در اسرائیل از این ابتکار حمایت کند، چیزی که دولت فعلی (اسرائیل) قاطعانه آن را رد می‌کند.

آرمان‌های ملی فلسطین به دلیل اختلافات داخلی و فقدان رهبری سازمان‌یافته قادر به رسیدگی به دشواری‌های کنونی و آینده، و حمایت متزلزل حامیان سنتی عرب – به ویژه از دست دادن سوریه پس از برکناری رئیس‌جمهور سابق، بشار اسد، به دست افراط‌گرایان وابسته به القاعده – هیأت تحریر الشام – که اکنون در حال تشکیل دولت جدید هستند، می‌تواند شتاب خود را از دست بدهد.

با وجود گمانه‌زنی‌های مختلف درباره توافق عربستان و اسرائیل، واقعیت این است که هیچ پیشنهادی برای تشکیل کشور فلسطین در سه دهه گذشته، پیشرفت معناداری نداشته است. در نتیجه، ابتکارات یک‌جانبه موقتی به طور فزاینده‌ای در کانون توجه قرار گرفته است که اغلب عواقب فاجعه‌باری داشته است.

در چنین شرایطی، فشار برای دستیابی به توافق عربستان و اسرائیل بیشتر شبیه یک سراب است تا یک پیشرفت دیپلماتیک ساخته و پرداخته و اشینگتن و تل‌آویب.

به نظر دننیس در این شرایط و با چشم‌انداز توافق احتمالی عربستان و اسرائیل، فلسطینیان در آینده اهمیت سیاسی کمتری خواهند داشت. این وضعیت فضا را برای گروه‌های رادیکال و مسلح فراهم می‌کند تا پا به میدان گذارند و تشنج‌ها را در خیابان‌های فلسطین و عربی تشدید کنند.

تاکتیک‌های تهاجمی ترمپ ممکن است با تهدید و ارعاب در برخی از رهبران موفق عمل کند، اما بعید است که نگرش‌های عمیق منطقه‌ای را تغییر دهد. در هر صورت، دستیابی به هر توافقی بدون امتیازات عمده برای فلسطینی‌ها می‌تواند آتش تشنج‌ها را بیشتر شعله‌ور ساخته و منطقه را به سوی بی‌ثباتی بیشتر سوق دهد.

در حال حاضر، ایده توافق عربستان و اسرائیل ممکن است بیشتر تخیلی باشد تا واقعی – توهمی که به جای واقعیت سیاسی، با افکار خواست‌اندیشانه دوام می‌یابد.

۴ فبروری ۲۰۲۵